فهرست

[مقدمه 2](#_Toc106018030)

[دلیل سوم: وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ 2](#_Toc106018031)

[مقدمات سه‌گانه استدلال 3](#_Toc106018032)

[ارزیابی استدلال: 4](#_Toc106018033)

[مناقشه در مقدمه اول: 4](#_Toc106018034)

[تقریر دوم مقدمه اول: 4](#_Toc106018035)

[مناقشه در تقریر دوم: 5](#_Toc106018036)

[سؤال و جواب: 6](#_Toc106018037)

[مناقشه مقدمه دوم و سوم 8](#_Toc106018038)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح

# مقدمه

عرض شد دو قاعده عامه داریم که نظر به حتی آنهایی که فی حد نفسه نظر به آنها جایز است را در شرایطی تحریم می‌کند. در مواردی که نظر حرام است این دو قاعده تحریم را تأکید می‌کند و درجایی که نظر جایز است مثل محارم با وجود این دو قاعده حرمت حادث می‌شود. این دو قاعده عبارت بود از حرمت نظر با التذاذ شهوانی به‌قصد لذت یا با التذاذ شهوانی این حرام است حتی اگر فی حد نفسه نظر جایز باشد. قاعده دوم عبارت بود از نظر با ریبه. قاعده اول را سابق بحث کردیم و بحث ما در قاعده دوم بود. در قاعده دوم بعدازاینکه حدود هشت نکته را در مقدمه و تبیین ابعاد ذکر کردیم وارد ادله شدیم. دلیل اول همان ادله لبیه بود که عبارت از اجماع و مذاق شرع و ارتکاز و امثال اینها بود. دلیل دوم آیه شریفه سوره احزاب بود که همان **﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾**[[1]](#footnote-1) بود که هفت هشت نکته در ذیل آیه ذکر شد و علی‌رغم اینکه بعضی بزرگان با قاطعیت به این آیه استدلال کرده بودند با مباحثی که در این نکته‌هایی که ذیل آیه مطرح شد تردیدی در این استدلال به وجود آمد. بحث دیروز هم همان‌هایی که سابق نسبت به شخصی و نوعی گفتیم همان بحث اینجا تکرار می‌شود. همانی که در تهییج گفتیم. از میان چهار فرض، فرض احدهما قابل انتخاب است که توضیحات و استدلالاتش را در روایت «لما فیه من تهییج الرجال» عرض کردیم. لذا ادامه نمی‌دهیم.

# دلیل سوم: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴾

دلیل سوم از آیات شریفه است و این آیه را مرحوم خوئی مورد استدلال قرار داده‌اند. آیه شریفه سوره مؤمنون است آیات پنج‌تا هفت سوره مؤمنون که به مناسبتی بحث کردیم. البته قبلاً هم سریع بوده. امروز هم آیه از منظر استدلال به آن برای قاعده حرمت نظر با ریبه بحث خواهیم کرد. آیه این است: **﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴾\* ﴿إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ﴾ \* ﴿فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ﴾**[[2]](#footnote-2) این آیه در ابتدا و اوایل سوره مؤمنون آمده و در سیاق بیان اوصاف مؤمنین قرار دارد. **﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾\* ﴿الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾** چندین صفت مؤمنون ذکر شده و یکی از اوصاف مؤمنان هم این برشمرده شده است که **﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾ \* ﴿إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ﴾** این آیه در کلام مرحوم خوئی مورد استدلال قرار گرفته. استدلال اجمالی مرحوم خوئی را بحث می‌کنیم در مقام تبیینش چند نکته عرض خواهیم کرد. گرچه مرحوم خوئی در حد یکی دو سطر استدلالشان را بیان کرده‌اند اما دقایق و نکات ظریفی در این استدلال و مناقشات به آن وارد است که به‌تدریج عرض خواهیم کرد.

## مقدمات سه‌گانه استدلال

استدلالی که در کلام مرحوم خوئی آمده ترکیز بر حفظ دارد. **﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾ \* ﴿إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ ...﴾** می‌فرماید حفظ اهتمام از صیانت از شیء است. گویا از آیه هم به خاطر مفهوم خود حفظ هم جمله اسمیه و تأکیدی که ازجمله اسمیه استفاده می‌شود حفظ در اینجا صیانت باکمال مراقبت است. مراقبت تام و صیانت با دقت و احتیاط را حفظ می‌گویند. ابتدا ممکن است کسی بگوید **﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴾** یعنی خود را از زنا و امثال آن مصون می‌دارند. اگر این باشد شاید نتوان زیاد استدلال کرد. بلکه باید بگوییم حفظ کمال مراقبت و اهتمام ویژه را می‌رساند. تعبیر آقای خوئی این است که فان الحفظ بمعنی الاهتمام بالشیء کی لا یقع فی خلاف ما ینتظره. اهتمام و دقت و وسواس و احتیاط و کمال مراقبت است. اگر این‌طور معنا شد **﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾** معنایش این است که نهایت دقت دارد که در مسیر زنا و امثال زنا قرار نگیرد. این یک مقدمه استدلال است که باید بگوییم حفظ به معنای کمال مراقبت و مواظبت تامه است از وقوع در زنا و امثال آن.

مقدمه دومی که در استدلال ایشان باید توجه کرد این است که این کمال مراقبت یک مصداق آن حفظ عورت و خویشتن است از نگاه با ریبه. نگاه متلذذانه و نگاه با ریبه. این آیه را برای قاعده اولی و قاعده التذاذ هم می‌شود مورد استدلال قرار داد. مقدمه دوم این است که کمال حفظ و مراقبت به این است که نه در معرض خود زنا و امثال آن قرار گیرد و نه در معرض چیزی که ممکن است او را به سمت زنا ببرد. احتمال دارد که اگر خود را در معرض این کار قرار دهد به سمت زنا و فواحش حرکت کند. این هم مقدمه دوم. پس مقدمه اول این است که حفظ به معنای مطلق نگهداری و صیانت نیست بلکه صیانت خاص و مراقبت تام مقصود است. مقدمه دوم این است که یکی از مصادیق مراقبت تامه عبارت است از حفظ خود از نگاه با لذت و ریبه دیگری. نه‌تنها از زنا و لواط حفظ کند بلکه ازآنچه احتمال دارد او را در مسیر فواحش قرار دهد حفظ کند. چون مراقبت تامه و حفظ از نگاه با ریبه شد این یکی از مصادیق صیانت تامه است.

مقدمه سوم که در کلام ایشان نیست و از بزنگاه‌هایی است که در بحث قبل هم مدنظر قرار گرفت این است که ملازمه‌ای وجود دارد وقتی می‌گوید این شخص خود را حتی از نگاه با ریبه حفظ کند ملازمه دارد که آن نگاه هم حرام است. او خود را به‌طور کامل از زنا و فواحش یا حتی از نگاهی که ممکن است به آنجا بینجامد حفظ کند معلوم می‌شود خود نگاه به ریبه حرام است. این ملازمه را هم باید بپذیریم. این در کلام مرحوم خوئی نیست ولی بدون این ملازمه استدلال تمام نیست.

این سه مقدمه استدلال است. پس در استدلال به این آیه برای حرمت نگاه با ریبه نگاهی که همراه اراده و میل شهوانی است یا در معرض خوف وقوع در حرام است بخواهیم به این آیه استدلال کنیم به صدر آیه باید این سه مقدمه را بپذیریم. یکی اینکه بگوییم حفظ به معنای مراقبت تامه است که همراه دقت و وسواس و احتیاط است و حتی حالت‌های احتمالی را هم مدنظر قرار می‌دهد. دوم اینکه بگوییم حفظ تام یکی از مصادیقش این است که خود را ازن گاه متلذذانه و نگاه با ریبه صیانت کند. نگاهی که احتمال دارد به آنجا بکشد. سوم اینکه وجوب حفظ از قصد ریبه یا حرمت قرار دادن خود در معرض نگاه با ریبه مستلزم این است که بگوییم نگاه با ریبه حرام است. اگر بناست یکی از دو طرف را الزام کنیم به اینکه واجب است خود را ازن گاه با ریبه حفظ کنیم و حرام است خود را در معرض نگاه با ریبه قرار دهی عرفا ملازمه دارد بااینکه نگاه با ریبه حرام است. این سه مقدمه را اگر کنار هم بچینیم استدلال مرحوم خوئی تمام خواهد شد.

# ارزیابی استدلال:

در مقام بررسی و مناقشه طبعاً اگر بخواهد اشکالات به این استدلال بررسی شود علی‌القاعده همین مقدمات را باید بررسی کرد که آیا سه مقدمه تمام است یا نه و احیاناً ممکن است از طرق دیگر هم مناقشاتی مطرح باشد.

## مناقشه در مقدمه اول:

اولین مناقشه معطوف به مقدمه اول است. گفته می‌شود آنچه در آیه داریم این است که **﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾** و حفظ یعنی نگذارد عضو مبتلی به فاحشه شود. دقت و مراقبت و وسواس و اینها اضافه بر حفظ است که تحمیل بر آن می‌شود. وقتی گفته می‌شود یحفظه عن کذا یعنی نمی‌گذارد مبتلی شود. اما اینکه گفته شود حفظ اهتمام ویژه است بعید است. ظاهر معنای لغوی و متبادر از لفظ همین معنای مصونیت بخشیدن به آن شیء است. اما اینکه بگوییم تمام محافظت و کمال مراقبت است بعید است. این مناقشه‌ای که به اینجا وارد می‌شود.

## تقریر دوم مقدمه اول:

ممکن است کسی بگوید تقریر دیگری وجود دارد و آن اینکه **﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾** نگفته یحفظ الفرج عن ای شیء یا حذف متعلق است. حافظ فروج است. مؤمنان حافظان فروج خود هستند. از چه چیز؟ شما مفروض گرفتید که از زنا و فاحشه است. ممکن است کسی بگوید اینجا متعلق و متحفظ عنه ذکر نشده و عدم ذکر و حذف متعلق دلیل عموم و اطلاق است. بنابراین استدلال ما روی حفظ که معنای خاصی است نیست بلکه تقریر دیگری از استدلال داریم و آن اینکه چرا حفظ شامل حفظ از نگاه با ریبه هم می‌شود؟ زیرا آیه نگفته یحفظون فروجهم عن الزنا و الفواحش بلکه آیه می‌گوید **﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾** از چه فروجشان را حفظ می‌کنند؟ یکی از زنا و دیگری ازآنچه آنها را در معرض زنا قرار می‌دهد. این تقریر دوم است. در تقریر اول این بود که حفظ معنای وسیعی دارد که حتی صیانت از نگاه با ریبه را هم می‌گیرد؛ زیرا زمینه‌ای است و ممکن است به زنا بینجامد. اگر این باشد جوابش این است که معنای لغوی و متبادر لفظ حفظ از زناست و احتیاط و وسواس و مراقبت تامه چیزهای اضافه است که در معنای حفظ نیست.

تقریر دوم می‌گوید تأکید ما بر واژه حفظ نیست بلکه بر حذف متعلق است و اینکه حذف متعلق دلیل بر عموم است. بنابراین **﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾** یعنی حافظون فروجهم از زنا و نگاه با ریبه و نگاه متلذذانه و امثال این. این پاسخی است که می‌توان به اشکال داد. در حقیقت این پاسخ تبیین استدلال دیگری است برای استدلال به آیه بر اساس تعمیم متعلق حفظ از زنا و عمل فحشائی به آنچه در این مسیر قرار می‌گیرد. از باب اینکه حذف متعلق دلیل بر عموم است.

سؤال: وجه تعمیم چیست؟

جواب: وجه تعمیم این است که آیه نگفته حافظون فروجهم عن الزنا بلکه گفته حافظون فروجهم از چه چیز؟ از زنا و نگاه متلذذانه و نگاه به ریبه.

سؤال: ربطی اینها به حفظ فرج ندارد؟

جواب: چرا ندارد؟ فرج را از نگاه دیگری صیانت کند. یغضوا من ابصارهم هم می‌گوید نباید بگذارد دیگری نگاه کند.

بنابراین مقدمه اول یا تأکید بر واژه حفظ می‌کند که جواب داده شد و برای اینکه این اشکال نباشد می‌گوید تقریر دیگری می‌آورم و آن اینکه حذف متعلق دلیل عموم است.

## مناقشه در تقریر دوم:

جوابی که می‌توان داد این است که ظاهر آیه شریفه عبارت است از حفظ زنا و فحشا. اولاً حذف متعلق دلیل عموم است قاعده کلیه نیست. موارد فرق می‌کند. در این آیه هم شواهدی وجود دارد که آیه ناظر به عمل فحشاء است. نه مطلق از حفظ از هر چیز بلکه حفظ از فحشا. این متبادر از آیه و ظهور آیه حفظ از خود زناست نه چیزهای دیگر و نظر. شاهد مسئله هم روایتی است که در ذیل آیه آمده است. سابق عرض کردیم و به نظرم سندش مشکل نداشته باشد البته ندیدم.

روایت ذیل آیه **﴿قل للمومنین یغضوا من ابصارهم﴾** وارد شده از امام صادق علیه‌السلام است و در من لایحضر است سندش را پیدا نکردم در نرم‌افزار الوحی نیست.

«وَ سُئِلَ الصَّادِقُ ع- عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- **﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ‏ ذلِكَ أَزْكى‏ لَهُمْ﴾**‏ فَقَالَ كُلُ‏ مَا كَانَ‏ فِي‏ كِتَابِ‏ اللَّهِ‏ تَعَالَى مِنْ ذِكْرِ حِفْظِ الْفَرْجِ فَهُوَ مِنَ الزِّنَا إِلَّا فِي هَذَا الْمَوْضِعِ فَإِنَّهُ لِلْحِفْظِ مِنْ أَنْ يُنْظَرَ إِلَيْهِ».[[3]](#footnote-3)

هر جا که حفظ فرج درآیات قرآن آمده مقصود حفظ فرج از زنا و فحشا است مگر در آن آیه سوره نور که برای حفظ از نظر است. بقیه آیات ازجمله آیه سوره نور مقصود در آنها همان حفظ از زناست. این هم شاهدی است برای اینکه اینجا حذف متعلق دلیل عموم نیست. این مسئله فحشا و زنا و لواط را می‌گیرد و بیان می‌کند نه بیش از آن. درواقع امام در آن روایت می‌فرمایند حفظ عورات از دو چیز است. یکی از زنا و لواط و اعمال فحشایی است که درآیات متعدد آمده ازجمله در سوره مؤمنون. یکی هم حفظ از نگاه است که در سوره نور آمده است. مباحث نگاه در سوره نور آمده و مباحث فحشاء و حفظ از آن در سوره مؤمنون آمده. سند ظاهراً به همین شکل سئل الصادق آمده است.

این قرینه‌ای بر این است که آن استظهار هم درست است. ظاهر آیه هم این است که **﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾ \* ﴿إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ ...﴾** بیشتر نگاهش به بحث زنا و فحشا و امثال اینهاست. تازه اگر یک شمولی به نگاه داشته باشد می‌خواهد بگوید مطلق نگاه، نگاه متعارف را باید حفظ کند. عورتش را در معرض نگاه قرار ندهد. اما اینکه نگاه متلذذانه و با ریبه آن هم درجایی که فی حدنفسه نگاه جایز است و با این قید حرام است این خیلی بعیدتر است. پس در پاسخ به تقریر دوم گفته می‌شود اولاً حذف متعلق دلیل بر عموم نیست به‌ظاهر آیه ثانیاً روایت من لایحضر مؤید این است ثالثاً اگر شمول نسبت به نظر داشته باشد نظر به عورات را می‌گوید که متلذذانه و غیر متلذذانه ندارد و حرام است. باید خود را از نگاه به عورات از طرف اجنبی حفظ کند. اما اینکه آیه را امتداد بدهیم و بگوییم نگاه با ریبه حتی جایی که نگاه جایز است آن هم حرام است خیلی بعید است.

بنابراین در پاسخ اول به استدلال می‌گوییم دو تقریر برای استدلال وجود دارد. یکی تأکید بر مفهوم حفظ است و اینکه حفظ یک معنای آکدی دارد که احتیاط و مراقبت را افاده می‌کند. می‌گوییم مفهوم حفظ در آن این حرف‌ها نیست. دوم اینکه حذف متعلق دلیل بر عموم است با همین دو سه نکته جواب می‌دهیم. ازاین‌جهت است که پایه استدلال فرومی‌ریزد. وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ می‌گوید مؤمن گرد گناه نمی‌چرخد و خود را از زنا و فحشا که مربوط به فروج است حفظ می‌کند اما بیش از این را بر آیه نمی‌توان تحمیل کرد. این پاسخ اول. چه شما بر مفهوم حفظ و چه بر اینکه حذف متعلق دلیل بر عموم است هر دو قابل پاسخ است و استدلال را مخدوش و ساقط می‌کند.

## سؤال و جواب:

سؤال: روایت مصداق را نگاه می‌کند

جواب: روایت را به‌عنوان شاهد آوردیم. اگر در روایت اطلاقی پیدا می‌کردیم ممکن بود بگوییم روایت حصر نمی‌کند. فقط می‌خواهد بگوید همین تقابل کافی بود که یغضوا یعنی تمرکزش بر نگاه است و این تمرکز بر نگاه ندارد.

سؤال: من ابتغی وراء ذلک یعنی هرچه غیرازاین باشد....

جواب: ابتغی وراء ذلک مبتنی بر قبل است. یعنی غیر از رابطه‌ای که بین زن و شوهر جایز است. ابتغی وراء ذلک را بحث می‌کنیم. استدلال آیه خوبی به صدر است و ممکن است کسی به ذیل تمسک کند که بحث خواهیم کرد.

عرض ما این است که در حفظ آن مفهوم تأکید به شکلی که آقای خوئی می‌گویند نیست ثانیاً حذف متعلق اینجا دلیل بر عموم نیست و نوعی تبادر به این دارد که مؤمن اهل فحشا و زنا نیست.

سؤال: تبادر از کجا می‌آید؟ حفظ فرج اطلاق دارد و مفهوم عامی است و شامل هر انحراف جنسی چه استمنا و زنا می‌شود.

جواب: استمنا در فمن ابتغی وراء ذلک می‌آید. اما اینکه خودش را از نگاه حفظ کند این در آن نیست.خود آقای خوئی تأکیدشان بر مفهوم حفظ است و تأکیدشان بر اینها نیست. ما آوردیم.

سؤال: اینکه آیه فقط زنا را می‌گوید این تحکم است.

جواب: ظهور آیه به نظر ما این است. حذف متعلق دلیل بر عموم است اشعار است. مواردی ممکن است قرینه باشد که دلیل اطلاق باشد اما همیشه این‌طور نیست. پس دلیل حفظ خیلی ضعیف است و دلیل دوم هم اطلاقی ندارد. ممکن است کسی بگوید اطلاق را می‌پذیرم در این صورت اگر اطلاق آیه را بپذیریم روایت قابل جواب است لذا من می‌گویم تأیید است چون روایت می‌خواهد بگوید نوعی تفاوت بین این آیه و آن آیه است. این تفاوت به همین اندازه رعایت می‌شود که بگوییم یغضوا من ابصارهم و آیه سوره نور فقط نظر را می‌گوید ولی این زنا و غیر زنا را می‌گوید. این قابل جواب است گرچه خلاف ظاهر است.

سؤال: اشکال اصلی شاید اشکال اخیر جنابعالی بود که به‌هرحال نگاه به فرج حتی با ریبه حرام است ما می‌خواهیم از این آیه که ناظر به نگاه به فرج است تعمیم بدهیم مطلق نگاه با ریبه را.

جواب: عرض کردیم همین‌طور است. ثالثاً عرض ما این بود که اگر هم بگویید حذف متعلق دلیل بر عموم است و خود را از زنا و نگاه حفظ کند این باید اطلاق دیگری بیاید که از نگاه یعنی هر نوع نگاهی اشکال ندارد چه نگاه به فرج چه نگاه به‌جای دیگر که مثلاً جایز است. نگاه به غیر عورت که جایز است با قصد تلذذ یا ریبه حرام شود خیلی بعید است. جواب مهم‌ترش که اشاره شد این است که اگر حذف متعلق دلیل بر عموم است این آیه می‌گوید عورات را از زنا و نگاه به عورات حفظ کند. تا اینجا قبول داریم. اما چه ربطی دارد به اینکه خود را از نگاه با قصد ریبه حتی جایی که نگاه جایز است حفظ کند؟ صورت خود را هم در معرض ریبه قرار ندهد. این از آیه خارج است. ازاین‌جهت است که در پاسخ اول ما به این استدلال گفته می‌شود دو تقریب اینجا وجود دارد. تقریب تمسک به مفهوم حفظ و این اول الکلام است که حفظ مفهومی با این دامنه‌ای که آقای خوئی می‌فرمایند داشته باشد. تقریر دوم این است که آیه با حذف متعلق عموم داشته باشد می‌گوییم اولاً این‌چنین عمومی در آیه نیست به‌خصوص با قرینه روایت ثانیاً اگر باشد می‌گوید عورات را از نگاه حفظ کند. معلوم است که شخص باید عورت خود را از نامحرم حفظ کند این را کش بدهیم که شخص خود را از نگاه با ریبه حفظ کند حتی جایی که جایز است مثل دست و صورت این خیلی بعید است. لذا استدلال با همین مناقشه که به هر دو تقریب وارد است با دو بیانی که گفته شد فرومی‌ریزد.

سؤال: دو آیه دیگر هم هست یکی **﴿فلاتقربوا الفواحش﴾ ﴿و لاتقربوا الزنا﴾**

جواب: آنها را جدا بحث می‌کنیم. ما باشیم و این آیه هر دو تقریب محل اشکال است.

سؤال: با زاویه دید اجتماعی به این آیه نگاه شود این است که اگر از نگاه جلوگیری نشود احتمال قوی عرفی وجود دارد که آیه نتیجه‌اش حاصل نمی‌شود و حفظ فرج انجام نمی‌شود. اگر نگاه‌ها جلوگیری نشود قطعاً به این قضیه هم ختم می‌شود.

جواب: دلیل دیگر آن را می‌گوید. این دلیل این را نمی‌گوید.

سؤال: از این آیه استفاده می‌شود.آیه می‌گوید حفظ فرج کنید چون نگاه حفظ نشود حفظ فرج هم نمی‌شود اینجا ملازمه‌ای است.

جواب: ملازمه‌ای نیست. مؤمن کسی است که خود را از زنا و لواط حفظ می‌کند.

سؤال: مدل مقاصد شریعت می‌شود.

جواب: آن دلیل اول که مذاق شرع است که گفتیم.

سؤال: اگر فقط همین یک آیه را در این زمینه داشتیم چه؟ هدف محقق نمی‌شود.

جواب: نه. اینها حدس و گمان است. هدف هم نمی‌دانیم چیست و حفظ تحقق پیدا می‌کند.

سؤال: اگر نگاه‌ها رها باشد هدف‌ها محقق نمی‌شود.

جواب: اگر مقصد و مذاق می‌گویید بحث کردیم ولی به‌صرف این آیه نمی‌شود.

سؤال: ....

جواب: یحفظه عن شیء. عن شیء نیامده است.

سؤال: مناسب‌تر با حذف متعلق این بود که می‌گفت یحفظوا انفسهم. همین‌که ذکر نمی‌کند متعلق می‌کند.

جواب: یحفظ فرجه عن چه چیز؟ عن شیء می‌خواهد. عن الزنا او النظر

## مناقشه مقدمه دوم و سوم

این اشکال اول این دلیل بود. اشکال دوم هم به مقدمه دوم وارد است. مقدمه دوم این بود که حفظ به معنای خاص که همراه با مراقبت تامه است اقتضا می‌کند که بگوییم از نگاه با ریبه آن را حفظ کند.

سؤال: چه دلالتی بر حرمت نگاه دارد.

جواب: این اشکال بعدی است. اول اشکال دوم را بگوییم.

مقدمه سوم را هدف می‌گیریم که چه کسی گفته ملازمه دارد. می‌گوید این شخص خود را صیانت تامه هم بکند و نگذارد نگاه با تلذذ به او متوجه شود چه ملازمه دارد که نگاه متلذذانه و ریبه حرام است؟ این ملازمه در بحث‌های قبلی گفتیم محل اشکال است. خیلی ثابت نیست. این دو اشکال که تکمیلش فردا ان‌شاءالله.

1. سوره احزاب آیه 32 [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره مؤمنون آیه 5 تا 7 [↑](#footnote-ref-2)
3. **من لا يحضره الفقيه ؛ ج‏1 ؛ ص114** [↑](#footnote-ref-3)